

## پرسش ۶۴۸: سوالی در مورد مهدیین (ع)

السؤال / ٦٤٨ : السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

قبل أن اسأل سؤالي أود أن أقول أنني سمعت بهذه الدعوة جديداً، وأنا مازلت أبحث فيها، وكان هناك كثير من الأسئلة التي كانت تدور في بالي قبل أن أسمع بهذه، وبعد أن اطلعت على هذه الدعوة حلت بعض الإشكالات التي كانت عندي، مثلاً من هم الإثنا عشر مهدياً؟

پرسش ۶۴۸: السلام عليكم ورحمة الله و برکاته

قبل از این که سؤالم را مطرح کنم، مایلیم بگویم که من به تازگی این دعوت را شنیده‌ام و همچنان در مورد آن مشغول تحقیق و بررسی هستم. قبل از این که اینها به گوشم بخورد، سؤالات زیادی در ذهن داشتم و پس از آن که بر این دعوت اطلاع یافتم، برخی اشکالاتی که داشتم حل شد، مثل این که دوازده مهدی چه کسانی هستند.

ولكن عندي سؤال حول رواية يستشكل بها المخالفون على الدعوة، وهي هذه الرواية:

عن أبي عبد الله (ع): (... وقائل يمرق بقوله أنه يتعدى إلى ثلاثة عشر وصاعداً، وقائل يعصي الله (عزوجل) بقوله: إنَّ روح القائم ينطق في هیکل غيره). أرجو من سماحتكم أن توضحوا لنا هذه الرواية. والسلام عليكم.

المرسل: علي الحسني - أستراليا

اما درباره‌ی روایتی که مخالفان دعوت به وسیله‌ی آن اشکال می‌گیرند سؤالی دارم. روایت این است:

از ابا عبدالله امام صادق (ع): «... (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می دهند. و برخی هم نافرمانی خدای عزوجل می کنند و می گویند: روح امام قائم در پیکر شخص دیگری وارد شده است و سخن می گوید)».

از حضرتعالی خواهش می کنم این روایت را برای ما شرح دهید.  
و السلام علیکم.

فرستنده: علی الحسنی - استرالیا

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم**

**الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.**

**و عليكم السلام ورحمة الله وبركاته.**

**هذا نص أحد الأجوبة كتبه سابقاً لأحد الإخوة حول هذه الرواية:**

**پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم**

**الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.**

**و عليكم السلام و رحمة الله و بركاته.**

متن زیر نصّ یکی از پاسخ‌هایی است که درباره‌ی این روایت قبلاً برای یکی از برادران نوشته‌ام:

**أخي العزيز ... بغض النظر عن ضعف سند هذه الرواية وبغض النظر عن إلزام القوم بما يلزمون به أنفسهم ... فكلام الإمام (ع) منصب على الذين ينكرون وجود الإمام المهدي (ع) وإمامته وبقاءه. فقولته (ع): (...)**

وقائل يمرق بقولة أنه يتعدى إلى ثالث عشر فصاعداً... أي إنه يقول بالثالث عشر فصاعداً مع القول بموت الإمام المهدي (ع) في الغيبة الصغرى أو الكبرى، وليس مجرد القول بذرية وخلفاء للإمام المهدي (ع) يكونون خلفاء له بعد قيامه المقدس وأولهم يكون ممهداً له (ع).

برادر عزیزم.... با قطع نظر از ضعف سند این روایت و با قطع نظر از قاعده‌ی «الزام» (الزام نمودن قوم به آنچه خودشان را به آن ملزم می‌نمایند.....:) کلام امام (ع) متوجه کسانی است که وجود امام مهدی (ع) و امامت و بقای او را منکر می‌شوند. این سخن حضرت که: «... و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند...» یعنی وی امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهد، و در عین حال معتقد به فوت امام مهدی (ع) در غیبت صغری یا کبری است؛ اینجا سخن درباره‌ی فرزندان و جانشینان امام مهدی (ع) نیست که جانشینان او بعد از قیام مقدسش می‌باشند که اولین آنها، زمینه‌ساز او (ع) است.

والدليل على ذلك أنّ الإمام (ع) يتكلم عن غيبة الإمام المهدي (ع) وارتداد الناس وانحرافهم عنه، فالمنوع هنا هو القول بموت الإمام المهدي (ع) في الغيبة وتنصيب حجة ثالث عشر بعده، وهذا القول يعني أنّ الإمام المهدي (ع) لم يبقَ إلى أن يظهر ويقوم ليملاً الأرض قسطاً وعدلاً بعدما ملئت ظلماً وجوراً كما نطقت بذلك عشرات أو مئات الروايات.

دلیل بر این سخن آن است که حضرت (ع) درباره‌ی غیبت امام مهدی (ع) و ارتداد و انحراف مردم از او سخن می‌گوید؛ پس آنچه در اینجا ممنوع است، قائل شدن به مرگ امام مهدی (ع) در غیبت و حجت سیزدهم پس از او است. این سخن یعنی این که امام مهدی (ع) تا آن هنگام که ظاهر شود و زمین را پس از آن که از ظلم و جور آکنده

شده است، از عدل و داد پر کند، باقی می ماند؛ و این موضوعی است که دهها و صدها روایت آن را بیان است.

وأما القول بأن هناك أوصياء للإمام المهدي (ع) مع الاعتقاد بوجود الإمام المهدي وحياته إلى أن يؤسس دولة العدل الإلهي فهذا لم تنفه هذه الرواية، بل نصت وأشارت إلى هذا المعنى عشرات الروايات، أي نطقت عشرات الروايات بوجود المهديين من ذرية الإمام المهدي (ع)، وإن شئت راجع كتاب (الرد الحاسم على منكري ذرية القائم (ع)) أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع).

عقیده به این که امام مهدی (ع) اوصیائی دارد، در کنار اعتقاد به وجود و حیات امام مهدی تا آن گاه که دولت عدل الهی را پایه گذاری می کند، عقایدی نیست که این روایت نافی آن ها باشد؛ بلکه دهها روایات، به این معنا تنصیح و اشاره دارد، یعنی دهها روایت از وجود مهدیین از نسل امام مهدی (ع) سخن گفته است. اگر تمایل داشته باشی می توانی به کتاب «الرد الحاسم على منكري ذرية القائم (ع)» از انتشارات انصار امام المهدي (ع) مراجعه نمایی.

إذن، فالرواية تتحدث عن موضوع غير موضوع أوصياء الإمام المهدي (ع)، أي إنها تتحدث عن عقيدة الذين يقولون بموت الإمام المهدي (ع) في غيبته ويعتقدون بإمام ثالث عشر، أي إن الاعتقاد الباطل ليس هو الإيمان بوجود أوصياء للإمام المهدي (ع)، بل هو الإيمان بالأوصياء زائداً القول بموت الإمام المهدي (ع) في غيبته، وهذا خارج تخصصاً أي موضوعاً عن موضوع الاعتقاد بالأوصياء الإثني عشر من ذرية الإمام المهدي (ع)؛ لأننا نعتقد بهم ولكن نعتقد بإمامة الإمام المهدي (ع) في الغيبة الكبرى وأنه الحجة الأصل إلى أن يقوم فيملي الأرض قسطاً وعدلاً... فنحن لا نقول بموت الإمام المهدي (ع) في غيبته

**حتى تنطبق علينا هذه الرواية ... فأين هذا من ذلك؟! وفي الحقيقة أنّ الذين يعترضون علينا بهذه الرواية هم في غاية الجهل والوهم.**

بنابراین روایت مزبور درباره‌ی موضوعی غیر از موضوع اوصیای امام مهدی (ع) صحبت می‌کند؛ یعنی این روایت درباره‌ی کسانی است که به مرگ امام مهدی (ع) در زمان غیبتش اعتقاد دارند و در عین حال به امام سیزدهم معتقدند؛ به عبارت دیگر، آن اعتقاد باطل، ایمان به وجود اوصیایی برای امام مهدی (ع) نیست بلکه عقیده‌ای باطل است که هم به اوصیا ایمان دارد و هم مرگ امام مهدی (ع) در زمان غیبتش را باور دارد. این از بحث -یعنی قضیه‌ی اعتقاد به اوصیای دوازده‌گانه از فرزندان امام مهدی (ع)- به‌طور تخصصی خارج است زیرا ما به آن‌ها اعتقاد داریم ولی در عین حال به امامت امام مهدی (ع) در غیبت کبری معتقدیم و این که او حجت اصلی است تا آن‌گاه که قیام کند و زمین را از عدل و داد پر سازد... لذا ما به مرگ امام مهدی (ع) در زمان غیبتش معتقد نیستیم تا این روایت بر ما منطبق باشد... این کجا و آن کجا؟! در واقع کسانی که با این روایات با ما رویارو می‌شوند در نهایت نادانی و توهم‌اند.

**ويدل على ما قلته أيضاً أنّ الأقاويل الباطلة التي ذكرها الإمام الصادق (ع) كلها تعني القول بعدم وجود الإمام المهدي (ع) أو وفاته ... فانظر إلى الأقوال التي وردت في الرواية:**

دلیل دیگری بر آن‌چه که برای شما گفتیم، سخنان بی‌پایه و باطلی است که امام صادق (ع) همه‌ی آن‌ها را ذکر نموده‌است که جملگی به عقیده‌ی عدم وجود امام مهدی (ع) یا وفات او دلالت دارد... به گفتارهایی که در روایت آمده‌است بنگرید:

**(فمن قائل بغير هدى بأنه لم يولد)، أي إنهم يقولون بعدم ولادة الإمام المهدي (ع) أصلاً.**

(بعضی از هدایت‌نیافتگان می‌گویند او متولد نشده‌است)؛ یعنی آن‌ها اصولاً به عدم ولادت امام مهدی (ع) اعتقاد دارند.

**(وقائل يقول أنه ولد ومات)، وهؤلاء أيضاً يقولون بعدم وجود الإمام المهدي (ع) في غيبته.**

(و برخی دیگر می‌گویند: او متولد شده ولی از دنیا رفته‌است)؛ اینها نیز معتقد به عدم وجود امام مهدی (ع) در غیبتش هستند.

**(وقائل يكفر بقوله أنّ حادي عشرنا كان عقيماً)، أي إنّ الإمام الحسن العسكري كان عقيماً ولم ينبج الإمام المهدي (ع)، والنتيجة أيضاً عدم وجود الإمام المهدي (ع) في غيبته.**

«(و گروهی هم کافر می‌شوند، به دلیل این که می‌گویند یازدهمین نفر از ما، عقیم بوده‌است)»؛ یعنی امام حسن عسکری (ع) عقیم بوده و امام مهدی (ع) را به دنیا نیاورده‌است، که این نتیجه نیز عدم وجود امام مهدی (ع) در دوران غیبتش می‌شود.

**(وقائل يمرق بقوله أنه يتعدى إلى ثالث عشر فصاعداً)، وهنا أيضاً يعني أنّ الإمامة تعدت إلى ثالث عشر وهكذا، أي النتيجة أيضاً إنكار وجود وإمامة الإمام المهدي (ع) في غيبته، فالرواية كلها منصبة على من ينكرون الإمام المهدي (ع) في غيبته.**

«(و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند)»؛ اینجا نیز یعنی اساساً امامت به سیزده و بیشتر کشیده شده‌است که نتیجه، انکار وجود و امامت مهدی (ع) در زمان غیبت او است. این روایت به‌طور کامل متوجه کسانی است که امام مهدی (ع) را در دوران غیبتش انکار می‌کنند.

(وقائل يعصي الله (عزوجل) بقوله أنّ روح القائم(ع) ينطق في هيكل غيره)، وهذا أيضاً يعني أنّ روح القائم حلت أو تنطق في بدن غيره، وهذا القول أيضاً باطل ويعني أنّ الحجة غير الإمام المهدي(ع)، أي إنّ الحجة هو الذي تنطق روح القائم به.

«(و برخی هم نافرمانی خدای عزوجل می کنند و می گویند: روح امام قائم در پیکر شخص دیگری وارد شده است و سخن می گوید)»؛ و این نیز یعنی روح قائم در بدن شخص دیگری حلول کرده است یا سخن می گوید. این عقیده نیز باطل بوده و به آن معنا است که حجت، کسی غیر از امام مهدی(ع) می باشد یعنی حجت، همان کسی است که روح قائم به وسیله ی او سخن می گوید.

ثم إنّ هذه الرواية في بعض الكتب جاءت بلفظ: (وقائل يمرق بقوله أنه يتعدى إلى ثالث عشر وما عدا)، وهذا يعني أنّ الإمامة في غيبة القائم(ع) لم تنتقل منه وتعدت إلى ثالث عشر، وأكد أنّ الذي يقول بأنّ الإمامة تعدت إلى غير الإمام المهدي(ع) وأنه مات في غيبته فهو مارق.

علاوه بر این در برخی کتب، روایت مزبور با این عبارت آمده است: (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می دهند)؛ و مفهومش آن است که امامت در زمان قائم(ع) به بعد از او منتقل نمی شود و به سیزدهمی جریان نمی یابد و قطعاً کسی که معتقد باشد که امامت به غیر از امام مهدی(ع) تسری یافته و آن حضرت در غیبتش فوت کرده، «مارق» (از دین خارج) است.

فقوله: (وما عدا) أي إنّ الإمامة ما زالت منوطة بالإمام المهدي(ع) في غيبته، وإنه الحجة الأصل على الخلائق، وطبعاً هذا لا يعني أنّ لا يكون له نائب أو وصي؛ لأنّ القول بالوصي لا يعني أنّ الإمامة انتقلت أو

تعدت منه إلى وصيه، فقد كان علي بن أبي طالب (ع) وصياً للرسول محمد (ص) في حياته ولم يقل أحد بأن الحجية على الخلق تعدت للإمام علي (ع)، إلا بعد موت رسول الله (ص)، وهكذا الحسن والحسين فهما أوصياء للإمام علي (ع) في حياته، ولكن هذا لا يعني تعدي الإمامة من الإمام علي (ع) إليهما، إلا من بعد وفاة الإمام علي (ع)، وهكذا بقية الأئمة (ع) فقد كان أوصياؤهم موجودين ولكن هذا لا يعني تعدي الإمامة والحجية من السابق إلى اللاحق، إلا من بعد وفاة السابق. واعتقد أن هذا الأمر من الواضحات المستغنية عن الشرح والتفصيل.

این سخن حضرت که «و ما عدا» یعنی امامت کماکان متعلق به امام مهدی (ع) در غیبت او است و او حجت اصلی بر خلائق است و طبیعتاً این به آن معنا نیست که حضرت نایب یا وصی ندارد زیرا اعتقاد به داشتن وصی به این معنا نیست که امامت به وصی او منتقل شده یا سرایت یافته است. علی بن ابی طالب (ع) در زمان حیات حضرت محمد (ص) وصی او بود و هیچ کس نگفت که حجت بودن بر خلق به امام علی (ع) تسری یافته است، مگر بعد از وفات پیامبر خدا (ص). در مورد حسن و حسین (ع) نیز همین گونه است. اینها اوصیای امام علی (ع) در زمان حیات او بودند لیکن این به آن معنی نیست که امامت از امام علی (ع) به این دو رسیده است، مگر پس از وفات امام علی (ع) بقیه ی ائمه (ع) نیز همین گونه اند. اوصیای آنها موجود بوده اند ولی این، بر منتقل شدن امامت و حجیت از قبلی به بعدی دلالت ندارد مگر پس از وفات قبلی. به گمانم این قضیه جزو موارد روشنی است که از شرح و بسط بی نیاز می باشد.

فنحن الآن لا نقول بأن الإمامة انتقلت وتعدت من الإمام المهدي (ع) إلى وصيه السيد أحمد الحسن (ع)، بل نقول إنّ الحجة على السيد أحمد الحسن وعلى كل الخلق هو الإمام المهدي الحجة بن الحسن (ع)، وأنّ حجة السيد أحمد الحسن هي لأنه رسول ووصي الإمام المهدي (ع) والمبعوث من قبله (ع)، وإنّ السيد أحمد الحسن لا يمكن أبداً أن يخالف



أمر أو نهى الإمام المهدي (ع)، بل إنَّ السيد أحمد الحسن صرَّح بأنه ناقل عن الإمام المهدي (ع) ويدعو الناس إليه والتمهيد لقيامه المقدس.

ما نمی‌گوییم که اکنون امامت از امام مهدی (ع) به وصی اش سید احمد الحسن انتقال یافته است بلکه می‌گوییم حجت بر سید احمد الحسن و بر تمام خلائق همان امام مهدی حجت بن الحسن (ع) می‌باشد، و حجیت سید احمد الحسن از آن جهت است که وی فرستاده و وصی امام مهدی (ع) و مبعوث از سوی آن حضرت است و هیچ‌گاه امکان ندارد که سید احمد الحسن با امر و نهی امام مهدی (ع) مخالفت ورزد، بلکه سید احمد الحسن به صراحت بیان داشته است که وی از امام مهدی (ع) نقل می‌کند و مردم را به سوی آن حضرت و برای زمینه‌سازی قیام مقدس او، دعوت می‌نماید.

فمن المعلوم أنَّ الحسين (ع) كان وصياً وإماماً في زمن الرسول محمد (ص) وفي زمن الإمام علي (ع) وفي زمن الإمام الحسن (ع)، لقول الرسول محمد (ص) ما معناه: (الحسن والحسين إمامان إن قاما وإن قعدا) [282]، ولكن القول بإمامة الحسين لا يعني انتقال الحجية على الخلق من الرسول محمد أو من الإمام علي أو من الإمام الحسن (ع) إلى الإمام الحسين (ع)، بل لم تنتقل الحجية إلا في حالتين فقط؛ إما أن تكون بعد وفاتهم (ع)، أو عندما يُكَلَّف الإمام الحسين (ع) كنائب ورسول عن الرسول محمد (ص) أو عن الإمام علي (ع) أو عن الإمام الحسن (ع).

واضح است که حسین (ع) در زمان حضرت محمد (ص) و در زمان امام علی (ع) و در زمان امام حسن (ع) وصی و امام بود، طبق فرمایش پیامبر (ص) به این معنا که: (حسن و حسین هر دو امام‌اند، قیام کنند یا قعود (صلح) کنند) [283]؛ اما اقرار به امامت حسین (ع) به این معنا نیست که حجیت بر خلق از حضرت محمد (ص) یا از امام علی (ع) یا از امام حسن (ع) به امام حسین (ع) انتقال یافته است، چرا که اصولاً

حجیت فقط در دو حالت منتقل می‌شود: یا پس از وفات ایشان یا هنگامی که امام حسین (ع) به عنوان جانشین و فرستاده از سوی حضرت محمد (ص) یا امام علی (ع) یا امام حسن (ع) مکلف می‌شود.

**ومن المعلوم أيضاً أنّ علي بن أبي طالب (ع) قد كان حجة في زمن الرسول محمد (ص) وذلك عند غياب الرسول (ص) أو عندما يكلفه في أمر معين كإرساله إلى أهل اليمن، ولكن هذا لا يعني تعدي أو انتقال الحجية من الرسول محمد (ص) إلى الإمام علي (ع) كلياً، بل هي على نحو النيابة، ولا تنتقل كلياً إلا بعد وفاة الرسول محمد (ص).**

روشن است که علی بن ابیطالب (ع) در زمان حضرت محمد (ص) حجت بوده‌است و این موضوع در غیاب پیامبر یا هنگامی که ایشان وی را به کار معینی تکلیف می‌فرموده مانند ارسال به سوی مردم یمن- روی می‌داده است، ولی این، دلالت بر آن ندارد که حجیت به‌طور کامل از حضرت محمد (ص) به امام علی (ع) انتقال یافته‌است، بلکه این کار به صورت نیابت و جانشینی بوده‌است و حجیت به‌طور کامل انتقال نیافت مگر پس از وفات حضرت محمد (ص).

**ثم إنَّ الفرقة التي قالت بأنَّ الإمام المهدي (ع) قد مات وانتقلت الإمامة إلى ولده قد انقرضت منذ زمن بعيد، أي إنها تقريباً بعد الغيبة الصغرى مباشرة، وقد نص الشيخ الطوسي في كتابه (الغيبة ص ٢٨٨) بأنَّ هذه الفرقة قد انقرضت وانتهت.**

علاوه بر این، گروهی که می‌گویند امام مهدی (ع) فوت کرده و امامت به فرزند او منتقل شده‌است، مدت زمان مدیدی است که منقرض گشته‌اند؛ یعنی تقریباً بلافاصله پس از غیبت صغری. شیخ طوسی در کتاب «غیبت: ص ۲۲۸» خاطر نشان کرده که این فرقه منقرض شده و کارش به پایان رسیده‌است.

فيكون كلام الإمام الصادق(ع) قد تحقق وهو ناظر لهذه الفرقة التي  
تعتقد بموت الإمام المهدي(ع) وانتقال الإمامة إلى ابنه في عصر الغيبة،  
ولا علاقة لكلام الإمام الصادق(ع) بنفي ذرية أو أوصياء الإمام  
المهدي(ع).

بنابر این کلام امام صادق(ع) تحقق یافته و سخن ایشان ناظر به این فرقه است که به  
مرگ امام مهدی(ع) و انتقال امامت به فرزندش در دوران غیبت معتقد بوده اند؛ سخن  
امام صادق(ع) ارتباطی با نفی یا رد فرزندان یا اوصیای امام مهدی(ع) ندارد.

وإلى هذا الحد أعتقد أنّ الأمر أصبح واضحاً كوضوح الشمس في  
رائعة السماء.

تا اینجا فکر کنم قضیه مثل روز روشن شده است.

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم  
تسليماً كثيراً.

اللجنة العلمية- لأنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)

الشيخ ناظم العقيلي - محرم  
الحرام/ ١٤٣٢ هـ

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و  
سلم تسليماً كثيراً.

هیأت علمی انصار امام مهدی(ع) - (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شيخ ناظم العقيلي - محرم  
الحرام/ ١٤٣٢ هـ ق

\*\*\*\*\*

[\[282\]](#) - علل الشرائع: ج 1 ص 211، وراجع التعجب: ص 129.

[\[283\]](#) - علل الشرائع: ج 1 ص 211؛ التعجب: ص 129.